

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

علی ناظر

۲۵ فبروری ۲۰۲۲

دنیای دیوانه دیوانه پوپولیست ها و فاشیست ها



دونالد ترمپ حمله به اوکراین را برآمده از «هوش و نبوغ» پوتین ارزیابی کرده است. واقعیت این است که پوپولیسم و فاشیسم بر جهان سیاست و تصمیم گیری های ستراتیژیک حکمرانی می کند. واقعیت دیگر این که، کرونا، همچون دوران پساجنگ جهانی دوم، پیامدهای اقتصادی و نگرشی در بسیاری از کشورها (اقمار کلان کشورها) ایجاد کرده است، و با توجه به ضعف این «اقمار»، کلان کشورها را که از ۲۰۰۸ تاکنون در حال «طراحی ستراتیژی کلان» بوده اند، تشویق کرده که به حیطة فرمانروائی خود بیفزایند. طبیعتاً، این خواست ذاتی «توسعه طلبان» است. غرب و شرق، و یا مسلمان و مسیحی و یهودی هم ندارد.

ناتو در ادامه برنامه توسعه هژمونی به سمت شرق، که ترمپ عامل و سخنگوی بالفعل آن بود، با توجه به مشکلات عدیده اقتصادی در کلان کشورها، تلاش دارد تا با سوار شدن بر موج «نیاز به واکسین»، و «نیاز به افزایش توان تسلیحاتی اقماری»، بالهای خود را به اقصی نقاط بگستراند. طبیعتاً، کشورهایی همچون چین که تایوان را بخشی از سرزمین مادری می داند، و پوتین که اوکراین را بخشی از سرزمین روسیه می داند، بوی خطر به مشامشان خورده، و ادار به عکس العمل شده اند.

وزیر امور خارجه چین در پیامی شفاف هشدار می دهد که «اصرار امریکا به ادامه رقابت غیرسازنده به ویژه با تمرکز بر مهار چین از راه اعمال نفوذ در تایوان، سرانجام خوشی نخواهد داشت و خطر تقابل نظامی را افزایش می دهد» و پوتین پس از چند هشدار، در گام نخست به اشغال بخشی از خاک اوکراین دست می زند، و چون ناتو از دادن تضمین های ضروری در راستای امنیت منافع ملی روسیه خودداری می کند، روسیه حمله را از چند جبهه آغاز می کند. شایان توجه این که، یکی دو روز پیش از حمله به اوکراین، رئیس جمهور آذربایجان به مسکو سفر کرده و سند «اتتلاف متفقین» را با روسیه به امضاء می رساند، که تبعات ستراتیژیک خود را به همراه خواهد داشت و کمر بندهای دفاعی بین شرق و غرب ایجاد خواهد شد.

آیا به راستی، «آنتریک» روسیه از سوی غرب و ناتو، دلیل خوب و بحقی برای اشغال سرزمین کشور دیگر است؟ خیر! اما درک این نکته که «دود بدون آتش» امکان پذیر نیست هم به همان اندازه مهم است.

واقعیت دیگر این که، آنچه در اوکراین در حال وقوع است، بی شک بر روند مذاکرات وین تأثیر خواهد گذاشت. روسیه به کارشکنی مبادرت خواهد کرد، و غرب به بهانه تراشی، و جمهوری اسلامی هم از سر استیصال و در ظاهر، به تسلیم هر چه بیشتر «حق مسلم»، و در پشت صحنه به ساخت بمب اتوم.

در چنین حالتی، سناریوی غیر محتمل و سؤال ذهنی اینست که آیا اسرائیل از این بلبشو سوءاستفاده کرده و به سایت های هسته‌ئی و تحقیقاتی جمهوری اسلامی در ایران حمله کرده، و دندان پوسیده را از بُن خواهد کشید؟ بسیاری بر این باورند که اسرائیل همیشه به دنبال جنجالی پر هیاهو بوده، تا بتواند در پس آن به این اقدام ستراتیژیک دست بزند. بدون شک، جمهوری اسلامی، که به لحاظ ددمنشی، کمتر از پوتین و نفتالی بنت، و بایدن و جانسون نیست، در عکس العملی از پیش برنامه ریزی شده، به فلسطین اشغالی حمله برده و جنگی فرسایشی در خاورمیانه کلید زده خواهد شد. اما این سناریو ذهنی است و خطیر. چنین اتفاقی نخواهد افتاد. چرا؟ چین در حال تدویم گسترش بالهای خود در غرب آسیا است، و روی «جاده ابریشم» هزینه کرده است، و اجازه نخواهد داد اسرائیل دست به چنین حماقتی بزند. روسیه که اخیراً به اسرائیل هشدار های جدی به خاطر حملاتش به سوریه می دهد، هم چنین حرکتی را به ضرر منافع درازمدت خود می بیند، فراتر این که، جمهوری اسلامی بارها هشدار داده که حمله اسرائیل به ایران، بی جواب نخواهد ماند، و کشورهایی که اجازه استفاده از حریم هوایی خود برای عبور جت های جنگی را داده باشند به همان شدت آسیب پذیر خواهند بود. واقعیت اینست که پس از ائتلاف جمهوری آذربایجان با روسیه، حمله اسرائیل از آن مسیر غیر ممکن می شود. می ماند سه کشور عربی امارات، عربستان، کویت، که اخیراً در حال گسترش روابط بیش از پیش با چین هستند، و در مذاکراتی عیان و نهان با جمهوری اسلامی به دنبال کاهش تنشج هستند، تا به آن حد که وزیر خارجه عربستان در سخنان اخیر خود به شکست در جبهه یمن اذعان کرده، و گفته که «انتظار نداشت جنگ یمن طولانی شود؛ اما این جنگ بیش از حد انتظار طول کشید».

واقعیات میدانی بالا با تأکید بر این که جمهوری اسلامی در مذاکرات وین، به برخی از خواست های خود خواهد رسید، و غرب هم با توجه به جنگ اوکراین، به تولید نفت از سوی ایران، و همکاریهای بین قطر و ایران در حوزه گاز، چشم دوخته تا با زمستانی سرد در سال آینده روبه رو نشود، تلاش خواهد کرد مذاکرات را به نتیجه ای برساند که جمهوری اسلامی در ظاهر برنده به نظر برسد، اما طی چند سال آینده، اگر جمهوری اسلامی، «تغییر رفتار» ندهد، آنچه ترمپ کرد را تکرار کند.

اما، یک سؤال باقی می ماند. آیا پایان «خجسته» مذاکرات وین آغازی برای چرخش جمهوری اسلامی به راست میانه خواهد بود (همانطور که بارها نوشته ام، منظور لیبرال دموکراسی نیست)؟ پاسخ هم آری و هم نه است. آری، به شرطی که موارد متعددی که در سری نوشتار «از خواستن تا توانستن» قید کرده ام را تمام و کمال مورد توجه عملی و نگرشی قرار دهد. به لحاظ اقتصادی، مجبور به اجرای آن مفاد است.

نه، به شرطی که آن موارد را به مورد اجراء نگذارد. ایندولوژیکمان ناتوان از تغییر است. تغییرات اجتماعی و اقتصادی حکم می کند که جمهوری اسلامی، پس از چهل و اندی سال، چرخش «قهرمانانه» کند؛ اما، و از سوی دیگر مافیا (کارتل ها) داخلی چنین امکانی را به دولت نظامی رئیسی نخواهند داد؛ و عدم توانایی رئیسی در مهار مافیا، جمهوری اسلامی را به گام دوم «بحران فروپاشی» سوق خواهد داد.

سالها پیش در مقاله «بحران فروپاشی، سرنگونی و انقلابی»، خاطر نشان کرده بودم که اگر نیروهای رادیکال و دموکرات نتوانند در دوران «فروپاشی» به تهییج و خیزش های مردمی دامن بزنند، ایران وارد هرج و مرج

پسافر و پاشی خواهد شد که به پاره پاره شدن ایران می انجامد، و رضا شاه روح شاد، شعار میدانی و مؤثر خواهد بود. ولی اگر نیروهای رادیکال بتوانند با ساماندهی نیروهای مردمی و اعلام مواضع واقعی خود (و نه شعارگونه و فریبنده که در میان مردم خریداری ندارد) به خیزشهای سازمانیافته هویتی اجتماعی دهند، در چنین حالتی می توان جامعه «اسلام زده» را به سوی ایرانی دموکراتیک و لائیک سوق داد، تنها در چنین حالتی «بحران فروپاشی» به «بحران سرنگونی» تغییر ماهیت داده، و پایه های لرزان جمهوری اسلامی از هم متلاشی خواهد شد. بدون شک، این نکات از دید سرکوبگران دور نمانده و در راستای کنترل شورش، اقداماتی پیشگیرانه انجام داده و خواهند داد، از جمله:

- تقی رستموندی، معاون وزیر کشور ایران و رئیس سازمان امور اجتماعی: «میل به ایجاد تغییرات اساسی در کشور» در حال افزایش است.
 - مهدوی زادگان: هیچ انقلابی مایل نیست طرفداران خود را از دست بدهد. «ریزش انقلابی ها» داریم اما «ریزش انقلاب» نه.
 - ساماندهی گردان های «مردم پایه» به عنوان زیر مجموعه ناجا.
 - سازماندهی ذخیره سازی مهمات در یگان های ناجا با رویکرد دفاع غیر عامل.
- نتیجه وین می تواند همراه با لخ لخ کردن و مماشات باشد، و به جمهوری اسلامی اجازه دهد تا خلل و فرج ها را ترمیم کرده، و از فروپاشی دوری کند.
- چند نکته نباید فراموش شود:
- آمریکا و اروپا در چنین روزهایی بود که آماده می شدند تا به عراق حمله کنند. با این «دروغ بزرگ» که عراق در حال انباشت تسلیحات کشتار جمعی است. آنها هرگز، حتی پس از بیست سال، و صدها هزار کشته و زخمی از ملت ستمدیده عراق پوزش نخواستند، و اذعان نکرده اند که «دروغ» می گفتند.
 - وقتی روسیه (شوروی) و آمریکا و اروپا صدام و لشکرش را به بمب کیمیائی مسلح کردند، مردم ساکن در شهرهای مرزی مورد حمله کیمیائی قرار گرفتند. نه شوروی (روسیه)، و نه غرب دموکرات هرگز از عمل خود شرمزده نشدند.
 - پس از اشغال افغانستان توسط روسیه، غرب، با ارسال پول و تجهیزات، اولین گروه و گردان طالبان و القاعده را در افغانستان تشکیل داد. شاید غرب به دنبال تشکیل القاعده (مسیحی) در اوکراین باشد.
 - بمب های آمریکا و انگلستان است که بر سر مردم یمن فرو می ریزد. عربستان وحشیانه به یمن حمله برد، با این تصور که می تواند در عرض چند روز یمن را به زانو درآورد، اما امروز وزیر خارجه عربستان اذعان می کند که اشتباه محاسبه، عربستان را به این باتلاق کشاند.
 - انگلستان، تخم هرز کشوری آپارتاید را در سرزمین فلسطین کاشت تا آمریکا آن را آبیاری کند، و روسیه به آن اجازه دهد تا به سوریه، تحت لوای «دفاع از خود» دائماً حمله کند.
 - روسیه چشم خود را به دزدی نفت از چاه های نفت سوریه توسط آمریکا بسته است.
 - آمریکا و انگلستان، دولت ملی مصدق را با کودتای ۲۸ مرداد ساقط کردند تا پسر رضاخان قلدر راه چپاول ثروت ملی را باز گذارد.
 - اروپا و آمریکا بر سر سلحشوران اشرف بمب ریختند، و پس از آن که آنها را فریبکارانه خلع سلاح کردند، به

عناصر سپاه قدس و لشکر مالکی اجازه دادند تا با تیر و تبر و زرهی به فرزندان خلق یورش ببرند. اینها واقعیاتی هستند که نباید فراموش شوند. شاید جنگی سرد آغاز شود. اما این جنگ بین استعمارگران است، و قربانی آن استعمارشدگان.

در ظاهر، آنچه روسیه کرده، شاید در راستای «دفاع از خود» و برای پیشگیری از اوکراین اتومی باشد؛ اما هرگونه اشغالی، چه اشغال ایران توسط صدام، یا اشغال فلسطین توسط صهیونیسم، و امروز اوکراین شدیداً محکوم است. اما آنچه پوتین می کند، عکس العمل به عدم پایبندی اروپا و امریکا به تعهدات توافق شده، پیش از فروپاشی شوروی است. اروپا و امریکا هرگز به تعهدات خود پایبند نبوده اند. ساده ترین آن، عدم پایبندی آنها در عراق و جنایاتی است که در اشرف و لیبرتی رخ داد، و یا حتی عدم پایبندی به برجام.

نباید فریب رسانه های غرب، و یا دروغ های هژمونی طلبانه پوتین را خورد، و چشم از تضاد آشتی ناپذیر مردم ایران با جمهوری اسلامی برداشت. شاید جمهوری اسلامی با توجه به این هرج و مرج برای خود عبائی بدوزد، اما سرنگونی طلبان می توانند با فرهنگ سازی نوجوانان، و گسترش کانون های شورشی، این عبا و عمامه را به خاک بکشانند.

علی ناظر

۱۴۰۰ [حوت]

۲۴ فیروری ۲۰۲۲

نشر همزمان در سایت دیدگاه